

# مشکلات رفتاری دانش آموزان

ماه مهر

فصل شروع فعالیت دانش

آموزان و آغاز مجدد رسمی و جدید آنان است. برخی پس از سپری نمودن تعطیلات تابستان، خوشحال و شادمان قدم به مدرسه نهاده و بی صبرانه در انتظار شنیدن صدای زنگ و آشنایی با معلم یا معلمان تازه هستند. عده‌ای دیگر به علت شرکت نمودن در امتحانات شهریور احیاناً خسته و کم نشاط خود را برای رفتن به مدرسه آماده می‌نمایند. در این میان کودکانی نیز هستند که برای نخستین بار قدم به مدرسه می‌گذارند. این کودکان نیز دو دسته هستند. عده‌ای از آنان مضطرب و نگران به نظر می‌رسند و دسته دیگر با شور و اشتیاق فراوان، برای مواجه شدن با چنین روز لحظه شماری می‌کنند. آن دسته از دانش آموزان که مضطرب و بیقرارند، گریه می‌کنند و یا به دنبال راهی برای فرار از آن محیط نا آشنا هستند، احتمالاً تاکنون با سایر محیط‌های آموزشی از قبیل مهد کودک، کلاس آمادگی و ... در ارتباط نبوده‌اند.

مهر ماه برای اکثر افراد بخصوص کلاس اولیها همیشه با خاطرات تلخ و شیرین توأم بوده است. شخصی خاطره اولین روز مدرسه خود را چنین تعریف می‌کرد: «هنگامیکه در آغاز سال تحصیلی برای نخستین بار به مدرسه می‌رفتم دلهره عجیبی داشتم. اتفاقاً مادرم نیز به علت رفتاری که برایش پیش آمده بود نمی‌توانست همراه من به مدرسه بیاید. از این رو در غیاب من با یکی از بستگانمان که در مجاورت همان مدرسه زندگی می‌کردند تماس گرفته و چون احتمال می‌داده که من به جای رفتن به مدرسه به آنجا بروم،

سفارشات لازم

را به ایشان نموده بود. من نیز بی‌خبر از همه جا چنین تصمیمی را گرفته بودم. به همین جهت در حالی که غرق در افکار و رویاهای شیرین خود بودم، زنگ خانه آنها را به صدا در آوردم. اما آن خانم که قبلاً دستورات لازم را از مادرم دریافت نموده بود، مجال ورود به منزل را به من نداد و در حالیکه با خوشرویی جواب سلام را می‌داد درب منزل را بسته، دست من را در دستش گرفته و به مدرسه برد.

اصولاً یکی از ترسهای خاص کودکان، «ترس از مدرسه» است. این عنوان چندان درست به نظر نمی‌رسد زیرا غالباً کودک از مدرسه ترس ندارد بلکه به عللی از رفتن به مدرسه امتناع می‌ورزد.

و به همین جهت اصطلاح «امتناع از رفتن به مدرسه»<sup>۲</sup> اصطلاح بهتر و دقیق‌تری است. در این حالت کودک از رفتن به مدرسه خودداری می‌کند و در منزل می‌ماند و به اصرار پدر و مادر هم توجهی نمی‌کند. پافشاری و اصرار پدر و مادر باعث پیدایش علائم عدم تعادل روانی و اختلالات جسمانی می‌شود. اختلالات جسمانی به صورت دل‌درد، استفراغ، سردرد، سرگیجه و ضعف ظاهر می‌شود و غالباً ادامه پیدا می‌کند.<sup>۳</sup>

«ترس از مدرسه (با فرار از مدرسه)<sup>۴</sup> تفاوت دارد. فرار از مدرسه بیشتر در کودکان مبتلا به اختلالات روانی، سایکوپاتها، حالت اضطراب شدید و نظایر

آن دیده

می‌شود. در این حالت کودک از

مدرسه فرار می‌کند ولی به منزل نمی‌رود.»

«فرار از مدرسه با بزرگتر شدن

کودکان، بیشتر جنبه ناسازگاری پیدا

می‌کند. بسیاری از اینگونه کودکان احتمالاً

متعلق به خانواده‌های از هم گسیخته و یا

دارای والدین و خواهر و برادران بزهکار

هستند. تعدادی نیز بر اثر تغییر مکرر

مدرسه، تکرار کلاس (مردود شدن)، از

مدرسه بیزار می‌شوند. این کودکان غالباً به

علت رفتار ضد اجتماعی و پرخاشگرانه،

دارای مشکلات انضباطی هستند. فرار از

مدرسه ممکن است صرفاً ناشی از ترس

بیش از حد از مدرسه باشد که این خود

معول شرایط نا مساعد خانواده و مدرسه

است. به طور کلی فرار از مدرسه مشکل

کودکانی است که نمی‌خواهند به مدرسه

بروند و طرحهایی می‌ریزند تا به جای

مدرسه کارهای دیگری انجام بدهند. بدیهی

است که این گونه افراد از نظر سازگاری در

مدرسه دارای مشکلاتی هستند.<sup>۵</sup>

اضطراب دوری از وارد از جمله عواملی

است که سبب امتناع از رفتن به مدرسه

می‌شود. بعضی از کودکان آنقدر به مادر

خود تعلق خاطر و وابستگی دارند که

الهیة اخوان علیزاده

رفتاری دانش آموزان

# در آغاز سال تحصیلی

گرفت بدون اینکه

معلم به تنبه کردن و یا کم

کردن نمره انضباط و یا اخراج از کلاس

متوسل گردد<sup>۸</sup>»

«معلمان معمولاً سه دسته‌اند: اول

معلمانی که بسیار نرمخو و بیش از اندازه

صمیمی هستند. بدیهی است که

دانش‌آموزان در مواردی از این رفتار

سوءاستفاده کرده در کلاس درس به

صحبت کردن و ایجاد مزاحمت خواهند

پرداخت در نتیجه چین معلمینی نمی‌توانند

به طور کامل برای شاگردان مفید و سازنده

باشند زیرا نرمش فوق العاده معلم، خود

زمینه‌ای برای سودجویی و سوء رفتار

خواهد بود. اینگونه معلمان فاقد توانایی

اداره کلاس هستند.

دوم، معلمانی که با گرفتن جذبه و تنبیه

کردن و اخراج از کلاس، شاگردان را وارد

به آرامش و سکون و توجه به درس

می‌نمایند. اینگونه معلمان محبوبیتی بین

شاگردان ندارند و عوامل قهری آنان

شاگردان را به سکوت و آرامش وامی‌دارد و

در مواردی هم درگیریهای سختی بین معلم

و شاگرد پیش می‌آید<sup>۹</sup>»

«معلمی که سرلجبازی و بد رفتاری با

شاگردان دارد، اکثر مورد نفرت همگان قرار

می‌گیرد. معلمانی که تحقیر و تمسخر را

جهت تنبیه کودکان به کار می‌برند به طور

کلی موجبات دل‌سردی و رکود پیشرفت

تحصیلی آنان را با دست خود فراهم

می‌نمایند<sup>۱۰</sup>»

«نوع سوم، معلمانی هستند که در اثر

برخوربداری از قدرت روحی و کمالات

معنوی، شاگردان را به خود جذب می‌نمایند.

اینگونه معلمان هیچگاه به زور و تهدید و

اخراج شاگرد متوسل نمی‌شوند، بلکه هیبت

## ۱- مشکل

### تغییر محیط

**آموزشی (انتقال):** نقل مکان و انتقال

منزل از نقطه‌ای به نقطه دیگر اوقات

باعث تعویض و جابجایی مدرسه کودک

نیز می‌شود. بعضی از کودکان به آسانی

نمی‌توانند خود را با محیط آموزشی جدید

تطبیق دهند، لذا رفتار آنان دستخوش

تغییراتی می‌شود. برخی از خانواده‌ها به

علت موقعیت شغلی یک از والدین (به

خصوص پدر خانواده) ناگزیرند در فواصل

کوتاه مدت (مثلاً یک الی ۲ سال) از شهری به

شهر دیگر نقل مکان کنند. در چنین شرایطی

کودک به محض اینکه درصدد بر می‌آید که

خود را با شرایط حاکم بر آن فضای

آموزشی تطابق دهد به ناچار مجبور به

ترک آن مدرسه می‌شود. این مسئله

مخصوصاً برای کودکان انعطاف ناپذیر و

دیر جوش مشکل آفرین است.

### الف) معلم جدید: نگرش، طرز تفکر،

اخلاق و رفتار، چگونگی برخورد معلمان با

شاگردان و رعایت حقوق دانش‌آموزان از

جمله مسائلی است که سبب تمایز معلمان از

یکدیگر می‌شود. سطح فرهنگ جوامع در به

کارگیری شیوه‌های آموزشی آموزگاران

بی‌تأثیر نیست. «یکی از ویژگیهای لازم

معلم، متانت و وقار اوست. معلم علاوه بر

معلومات و تخصص باید از ابهت و هیبت

نیز بر خوردار باشد. در پرتو این وقار

شاگردان تحت تأثیر معنوی و روحی معلم

قرار گرفته، از کلاس درس او بهره خواهند

حاضر نمی‌شوند

لحظه‌ای از او جدا شوند.

در چنین وضعیتی مادران معمولاً

ناگزیر می‌شوند همراه کودکان خود به

مدرسه رفته و کنار او بمانند؛ ولی از

آنجایی که انجام این کار همیشه برای

مادران مقدور نیست، لذا مسئولان مدرسه

گاهی برای ممانعت از بیقراری و بهانه

جویی کودک ناچار به استفاده از حربه

«دروغ» شده و به کودک می‌قبولانند که

مادرش در دفتر مدرسه حضور دارد و بدین

ترتیب او را قانع می‌کنند.

به طور کلی «هرگاه فعالیت‌های مدرسه

نیز به اندازه فعالیت‌های خارج از مدرسه

جالب باشند، همه کودکان، علاقه‌مند به

مدرسه خواهند شد. مثلاً کودکی که در

مدرسه خواستها و نیازهای او بر آورده

می‌شود از نرفتن به مدرسه ناراحت است.

شکل فرار از مدرسه را باید از دو زاویه

مورد بررسی قرار داد. این مشکل نشانه‌ای

از وجود اشکال در برنامه‌های مدرسه‌ای و

همچنین نشانه‌ای از ناسازگاری کودک

است. لذا درمان آن نیز مستلزم اقدام در هر

دو زمینه فوق خواهد بود<sup>۷</sup>»

مشکلات عمده دانش‌آموزان در آغاز

سال تحصیلی عبارتند از:

عمده دانش آموزان اساساً به درس خواندن علاقه ندارند و از آن گریزان هستند. این بی‌علاقگی آنچنان قوی است که به همان اندازه که شاگرد ابتدایی از نیامدن معلم خوشحال می‌گردد، دانشجوی متأهل دانشگاه ما نیز به وجد و شوق در می‌آید!

و وقار آنان دانش‌آموزان را به آرامش و سکون وامی‌دارد. این دسته از معلمین بدون هیچگونه احساس رنجی کلاسشان آرام است. از این رو در مواردی هم به ذکر داستانها و حکایات آموزنده پرداخته، در ضمن با بیان لطیفه‌های آموزنده و سازنده آمادگی شاگردان را گسترش داده، خستگی و کوفتگی آنان را از بین می‌برند و نشاط و خرمی به کلاس می‌بخشند<sup>۱۱</sup>»

**ب) دوستان جدید:** مواجه شدن با چهره‌های ناآشنا و غریبه یکی دیگر از مسائلی است که باعث بروز مشکلات رفتاری دانش‌آموزان می‌شود. کودکی که در خانه به غیر از خواهر و برادر و کودکان فامیل با افراد دیگری در تماس نبوده یا احیاناً تنها فرزند خانواده بوده، ممکن است در برخورد با دانش‌آموزان دستپاچه شود. عادی شدن این مسئله مستلزم گذشت زمان بوده و والدین گرامی می‌بایست قبل از شروع سال تحصیلی به کودک خود آمادگیهای لازم در این زمینه را بدهند (این بیشتر در کودکان کلاس اول دیده شده است).

بعضی اوقات چون کودک در محیط خانه مورد توجه بیش از حد والدین بوده و به خواسته‌هایش بدون چون و چرا پاسخ مثبت داده شده، در برخورد با دوستان با مشکل مواجه می‌شود و ممکن است رفتار آنها مورد پسند او نبوده و نتوانند امیال و خواسته‌های وی را برآورده سازند. از این رو باعث ایجاد درگیری و اختلاف‌نظر بین آنها شده و نمی‌تواند روابط مسالمت‌آمیزی با آنها برقرار نماید.

## ۲- تغییر مقطع تحصیلی: این

تغییر یعنی اتمام دوره دبستان و وارد شدن به مرحله راهنمایی در سنین ۱۱ تا ۱۴ سالگی رخ می‌دهد. در این دوران همان

مسائل فوق یعنی فضای جدید، معلم جدید و دوستان جدید به شکل قابل توجهی خود نمایی می‌کند. دانش‌آموزان در دوران دبستان به غیر از معلم ثابت خود با یک الی دو آموزگار دیگر سروکار دارند.

(معلم ورزش و امور تربیتی). اما با وارد شدن به مقطع راهنمایی این تغییر اساسی یعنی لزوم ارتباط با دبیران متعدد را متوجه می‌شوند. هر یک از دبیران مسلماً با روش خاص خود و بر حسب دشوار یا آسان بودن دروس به تدریس علوم مختلف می‌پردازند.

بنابراین لازم است دانش‌آموزان خود را با روش تدریس آموزگاران مطابقت داده و به مطالعه جدی دروس آموخته شده بپردازند.

## ۳- تأثیر مدت زمان فاصله

گرفته شده با مدرسه (تابستان):

پس از فصل تابستان به علت گسستن موقت پیوند دانش‌آموزان با درس و مدرسه، در فراگیری دروس کمی سست اراده شده و تا هفته‌های اول مهرماه باز در همان حال و هوای بازیگوشی و شیطنت فصل تابستان به سر می‌برند. همچنین به علت دور بودن از فضای مدرسه تا حدی با مقررات و قوانین خاص حاکم بر آن بیگانه شده‌اند. بدین جهت لازم است دانش‌آموزان در طی تعطیلات تابستان با مطالعه بعضی از کتب درسی سال آینده بخصوص دروسی که در آنها بیشتر احساس ضعف می‌کنند، پایه تحصیلی خود را قوی نموده و با آمادگی قبلی به کلاس بالاتر قدم گذارند این مسئله مخصوصاً در هنگام تغییر مقطع تحصیلی اهمیت فراوانی دارد. زیرا صعود از مرحله دبستان به راهنمایی و از راهنمایی به دبیرستان مانند یک جهش تلقی می‌شود.

عمده دانش آموزان اساساً به درس خواندن علاقه ندارند و از آن گریزان هستند. این بی‌علاقگی آنچنان قوی است که به همان اندازه که شاگرد ابتدایی از نیامدن معلم خوشحال می‌گردد، دانشجوی متأهل دانشگاه ما نیز به وجد و شوق در می‌آید! علت این است که تعلیم و تربیت جامعه ما (جز در عده‌ای از دانش آموزان) نتوانسته است انگیزه و شوق درونی بوجود آورد و فرهنگ ما با برنامه‌های غلط و غیر صحیح همیشه تحصیل و علم را بر شاگرد تحمیل کرده است. بنابراین اولیای فرهنگ و آموزش و پرورش باید با یک تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش را دگرگون ساخته، به جای روحیه مدرک‌طلبی و رفاه‌طلبی، عشق و ایمان به علم‌اندوزی را در جامعه پرورش دهند.<sup>۱۲</sup>

**کلاس اولیها:** مشکل ترین پایه تحصیلی در دوره دبستان، کلاس اول ابتدایی است. تعلیم و آموزش صحیح به دانش آموزان کلاس اول آنقدر حائز اهمیت است که در کشور سوئد بیشترین میزان حقوق برای معلمان این پایه در نظر گرفته شده است!

کودکی که قبلاً هیچگونه آشنایی با محیط درس، کلاس، مدرسه و شخصی به نام آموزگار نداشته به ناگاه خود را در آن محیط، تنها و به دور از خانواده احساس می‌کند. آشنایی با روحیه این دسته از کودکان و چگونگی شکل گیری شخصیت آنان در خانواده‌های مختلف می‌تواند معلمان را در قراری یک رابطه سالم و منطقی با آنان رهنمون شود.

«شناخت این امر که هر شاگردی از چگونه خانواده‌ای به مدرسه آمده است برای معلم این حسن را دارد که نحوه برخورد خود را با شاگردان در کلاس به فراخور وضع خانوادگی آنها تنظیم می‌کند.

مثلاً با کودکی که از خانواده‌ای با شیوه تربیتی سهل گیر آمده است ناگهان خشونت و سخت گیری به عمل نیارود و کودکی را هم که از خانواده‌ای خشن آمده است مورد مهر و محبت زیاد و بی اندازه قرار ندهد.<sup>۱۳</sup>» به این ترتیب لازم است دروس روان شناسی به خصوص روان شناسی کودک در برنامه‌های آموزشی آموزگاران گنجانده شود تا با بهره گیری از اینگونه منابع گام مؤثرتری در راه آموزش و تربیت دانش آموزان بردارند.

از طریق چچ و لی و همزبانی با دانش آموز می‌توان فضایی آکنده از محبت، صفا و صمیمیت در کلاس درس بوجود آورد و به مصداق شعر  
درس معلم اربود زمزمه محبتی  
جمعه به مکتب آورد طفل گریزپای  
را جامه عمل پوشاند.

#### منابع و یادداشتها:

1. school phobia
2. school refusal
۳. میلای فر، بهروز. «روان شناسی کودکان و نوجوانان استثنایی»، تهران: انتشارات قومس، چاپ سوم، ۱۳۷۰، صص ۲۰۳، ۲۰۴.
4. Truancy from school
۵. رک. مآخذ شماره ۳، ص ۲۰۵.
۶. نوای نژاد، شکوه. رفتارهای بهنجار و نابهنجار، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران ۷ چاپ سوم، زمستان ۱۳۷۲، ص ۶۶.
۷. همان مأخذ.
۸. رشید پور، مجید. ثنات و وقار معلم، نشریه پیوند، انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، شماره ۶۳، دی ماه ۱۳۶۳ ص ۸.
۹. همان مأخذ، صص ۶۰ و ۶۱.
۱۰. دلخو شنوازه، هاشم. «روان شناسی شخصیت کودک و نوجوان»، تهران: نشر ارونند، چاپ دوم بهاره ۱۳۷۰، ص ۱۴۰.
۱۱. رک. مأخذ شماره ۸، ص ۶۱.
۱۲. رشیدپور، مجید. «معلم و خود جوشی شاگرد»، نشریه پیوند، انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، شماره ۷۲، مهرماه ۱۳۶۴، ص ۱۱.
۱۳. کریمی، یوسف. «روان شناسی مدرسه»، نشریه پیوند، انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، شماره ۶۱، آبان ۱۳۶۳، ص ۲۵.

#### مشکل ترین پایه

تحصیلی در دوره دبستان، کلاس اول ابتدایی است. تعلیم و آموزش صحیح به دانش آموزان کلاس اول آنقدر حائز اهمیت است که در کشور سوئد بیشترین میزان حقوق برای معلمان این پایه در نظر گرفته شده است!